

۲

دو نسخه از یک متن: دستنوشته تویق‌پای سرای و دستنوشته بریتانیا

در مشخصات یادشده برای نسخه تویق‌پای سرای، عنوانی برای تفسیر موجود نیست و ما نیز - تا آنجا که در فهرست‌ها و کتابشناسی‌ها جستجو کردیم - به نسخه‌های دیگری که به عنوان تفسیر ابونصر محمد بن احمد بن حمدان معرفی شده باشد دست نیافتیم. اما جستجو در ملاک تقسیم‌بندی این تفسیر، زمینه‌ساز کشف این‌همانی تفسیر ابونصر با تفسیری گردید که تنها یک مجلد از آن به دست آمده و متن آن با عنوان تفسیری بر عسری از قرآن مجید به کوشش جلال متینی به چاپ رسیده است (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ ش)؛ به این شرح:

بخش موجود نسخه تویق‌پای سرای، تردیدی باقی نمی‌گذاشت که این تفسیر در چند مجلد بوده است؛ زیرا وقتی حجم بخش موجود که تنها اندکی از ۲ جزء قرآن بیشتر است ۲۳۹ برگ باشد، اگر این قرآن کامل می‌بود می‌بایست در مجلدی با حدود ۳۵۰۰ برگ کتابت شده باشد؛ که چنین امری بسیار بعید به نظر می‌رسد. اما برای کشف اینکه بخش موجود چه مجلدی / جزوی از یک دوره قرآن را تشکیل می‌داده، نگارنده به سراغ سنت‌های تقسیم‌بندی مصاحف و تفاسیر کهن قرآن رفت. در سنت کتابت مصاحف و تفاسیر قرآنی - مخصوصاً در ترجمه‌ها و تفاسیر کهن فارسی - چند نوع تقسیم‌بندی دیده می‌شود؛ که مهمترین آنها بدین قرار است:

- تقسیم‌بندی سی‌پاره مطابق جزء‌های سی‌گانه قرآن؛ مانند: قرآن‌های سی‌پاره آستان قدس به کتابت و تذهیب عثمان وراق (نک: گلچین معانی ۱۳۴۷: ۴۹-۵۰؛ همو ۱۳۵۴: ۵۵-۵۶)، و قرآن سی‌پاره مترجم که خراسان دختر ابوالقاسم بن علی بن مانکدیم حسینی علوی در قرن ششم آن را وقف کرده است (نک: صدایی خوبی ۱۳۸۳: ۸۲-۸۴).<sup>۱</sup>

- تقسیم‌بندی بیست‌پاره؛ همچون تدوین نخستین ترجمه تفسیر طبری.<sup>۲</sup>

- تقسیم‌بندی چهارده‌پاره هر بخش شامل نیمی از هفت سُبُع قرآن؛ همچون برخی نسخه‌های ترجمه تفسیر طبری.<sup>۳</sup>

- تقسیم‌بندی ده‌پاره؛ همچون تفسیری که تنها مجلد باقی‌مانده از آن با نام تفسیری بر عَشْرِي از قرآن مجید به چاپ رسیده است.

- تقسیم‌بندی هفت‌پاره مطابق هفت سُبُع قرآن؛ مانند: نسخه‌هایی از ترجمه تفسیر طبری (نک: یغمایی ۱۳۳۹: ۱/۶، ۸-۱۰، نیز نک: پی‌نوشت ۲ همین فصل)، و احتمالاً تفسیر سورابادی<sup>۴</sup> (نک: مینوی ۱۳۴۴: یک).<sup>۵</sup>

- تقسیم‌بندی چهارپاره؛ مانند: تفسیر کمبریج (نک: متینی ۱۳۴۹: ۱/ بیست و سه) و نسخه تفسیر تربت شیخ جام مبتنی بر تفسیر سورابادی (نک: مهدوی ۱۳۶۰: بیست - بیست و یک).

- تقسیم‌بندی دوپاره که قرآن را به دو بخش نسبتاً مساوی تقسیم می‌کند: بخش نخست از سوره فاتحه تا پایان سوره کهف، و بخش دوم از سوره مریم تا پایان قرآن؛ مانند: بعضی نسخه‌های ترجمه تفسیر طبری (نک: یغمایی ۱۳۳۹: ۱/۸-۱۰)، و نسخه قرآن دانشگاه تهران (نک: عمادی حائری ۱۳۸۶: ۴۴).

از میان این تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی نسخه تفسیر ابونصر با تقسیم‌بندی ده‌پاره، که هر پاره (مجلد) از آن دربردارنده سه جزء از قرآن است، قرابت داشت: نسخه تفسیر ابونصر در موزه تویقایی سرای از آیه ۶۰ سوره کهف (سوره ۱۸) تا سوره حج (سوره ۲۲) را شامل است (آیه ۶۰ سوره کهف در اواخر جزء ۱۵ قرآن جای دارد و سوره حج پایان جزء ۱۷ از قرآن است) و بنابراین سه جزء ۱۵، ۱۶ و ۱۷ در این نسخه هست. در نسخه تفسیری بر عَشْرِي از قرآن مجید نیز - که ظاهراً برگگی از آغاز و برگگی از انجام آن افتاده است - «از آیه ۷۶ سوره الکهف (۱۸) تا اواسط آیه

۲۰ سورة الفرقان (۲۵)<sup>۶</sup> ترجمه و تفسیر شده است؛ و در نتیجه این بخش [دقیقاً] مشتمل است بر جزء‌های ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ قرآن کریم، یعنی ظاهراً جلد ششم از تفسیری [است] در ده مجلد بر اساس تقسیم‌بندی‌بی که مؤلف کتاب قائل شده است» (متنی: ۱۳۵۲: دوازده).

همین مشابهت در تقسیم‌بندی، این احتمال را به ذهن آورد که شاید تفسیر/بونصر همان تفسیری بر عشر باشد؛ و چون از بخت نیک نسخه موزه توپقاپی سرای و نسخه موزه بریتانیا (که تفسیری بر عشر از روی آن چاپ شده) دربردارنده بخش‌هایی مشترک از متن قرآن بودند، مقابله میان این دو نسخه امکان یافت و این حدس اثبات شد که نسخه توپقاپی سرای و نسخه بریتانیا<sup>۷</sup> دقیقاً دستنوشته‌هایی از یک متن (یعنی: تفسیر/بونصر) هستند.

آری، نسخه بریتانیا از تفسیر/بونصر، بی‌گمان مجلد ششم از یک دوره تفسیر است. حال که یکی بودن متن این دو نسخه (توپقاپی سرای، بریتانیا) اثبات گردید، قاعدتاً می‌بایست گفت که نسخه توپقاپی سرای نیز مجلد ششم از یک مجموعه ده جلدی است. اما چنین نیست (البته اگر معرفی‌کنندگان نسخه توپقاپی سرای اطلاعات درستی از نسخه داده باشند)، زیرا: طبق اطلاعات داده‌شده از نسخه توپقاپی سرای، این دستنوشته - که آغاز و انجام آن افتاده است - از آیه ۶۰ سورة کهف تا سورة حج (سورة ۲۲) را دربردارد؛ اما آغاز جزء ۱۶، آیه ۷۵ سورة کهف است و بنابراین نسخه توپقاپی سرای (بر خلاف نسخه بریتانیا) با جزء ۱۶ آغاز نمی‌شود و نمی‌تواند مجلد ششم از یک دوره ده جلدی باشد. بنابراین باید گفت که نسخه توپقاپی سرای از نظر تقسیم‌بندی با نسخه بریتانیا متفاوت بوده است. با پذیرش این نکته، دو احتمال برای تقسیم‌بندی نسخه توپقاپی سرای باقی می‌ماند: تقسیم‌بندی هفت جلدی یا تقسیم‌بندی چهارده جلدی. اینکه بخش باقی‌مانده نسخه، دربردارنده آیاتی از جزء ۱۵، متن کامل جزء ۱۶، و ظاهراً متن کامل جزء ۱۷ است، قرینه‌ای است که احتمال تقسیم‌بندی هفت جلدی یا چهارده جلدی را تقویت می‌کند. اگر چنین حدسی صحیح باشد، باید گفت که نسخه توپقاپی سرای مجلد چهارم از یک دوره هفت جلدی است یا مجلد هشتم از یک دوره چهارده جلدی. بر این اساس، نوشته متنی

که تقسیم‌بندی ده جلدی را به مؤلف اثر نسبت می‌دهد (متنی ۱۳۵۲: دوازده)، در خور تردید و تأمل دوباره خواهد بود.

گذشته از این تقسیم‌بندی، اگر بپذیریم که نسخه تویقایی سرای از انجام هم افتادگی دارد و به ترقیمه‌ای که نام مؤلف و کاتب و مذهب نسخه در آن قید شده باشد پایان نمی‌پذیرد، باید پرسید معرفی‌کنندگان نسخه چگونه توانسته‌اند مؤلف و کاتب و مذهب آن را شناسایی کنند؟ آیا این اطلاعات از جایی در میانه نسخه به دست آمده است؟ این پرسشی است که محتاج رؤیت نسخه تویقایی سرای - یا تصویر کاملی از آن - است.

□

باری، در هر صورت، مقایسه زیر میان متن نسخه تویقایی سرای (پیوست، تصویر ۱) و متن نسخه بریتانیا (بر پایه چاپ متنی)، شامل ترجمه و تفسیر بخشی از آیه ۱۷ تا بخشی از آیه ۲۱ سوره مریم، یکی بودن متن این دو نسخه را - هم در بخش‌بندی آیات و هم در ترجمه و تفسیر فارسی - به خوبی نشان می‌دهد:

نسخه تویقایی سرای:

فتمثل لها بشراً سوياً (۱۷) جبرئیل علیه السّلم خویشتن بدو نمود بمانند آدمی. سوياً جوانی تمام خلقت جوانی کی از جوانیش هیچ نقصان نشده باشد. چون مریم او را بدید بنداقت کی آدمیست.

قالت إني أعود بالرحمن منك كفت من از رحمان فریاد خواهم از تو ان كنت تقياً (۱۸) اگر تو مخلصی مر رحمان را از بر من دور شو. ضحاک گفت اگر تو از خدای می‌ترسی از بر من دور شو. کلبی گفت اگر مطیع خدایی از بر من دور شو.

قال إنما أنا رسول ربك جبرئیل كفت علیه السّلم من رسول خداوند نوم لأهب لك غلاماً زكياً (۱۹) تا مر ترا بسری بخشم. چون لیهب خوانی معنی جانان باشد تا خداوند تعالی ترا بسری بخشد. زکیاً باکیزه و نیک‌مرد و بیغامبر.

قالت أتى یكون لی غلام كفت مریم مر جبرئیل را علیه السّلم مرا بسر از کجا باشد ولم یمسسني بشر ولم أك بغياً (۲۰) هیچ آدمی با من نبسودست بحلال و بحرام و من بلایه‌کار نبوده‌ام و نیستم.

قال كذلك قال ربك جبرئيل عليه السلام جوابش داد كُفْتُ هَمْ جَنَّاسْتِ كِي تُو  
مِي كُويِي وَ هَمْ جَنَّاسْتِ كِي مَنْ كُفْتُمْ. خداوند تُو كُفْتُ جَلِّ جَلَالُهُ هُو عَلِيٌّ هَيِّنٌ فَرْزَنْدِ  
بِي بَدْرَ آفَرِيدَنْ بَرِّ مَنْ آسَانِسْتِ. (نک: پیوست، تصویر ۱)

نسخه بریتانیا:

«فتمثل لها بشراً سوياً» جوانی تمام خلقت. جوانی کی از جوانیش هیچ نقصان  
نشده بود. چون مریم او را بدید بندااشت که آدمیی است. جبرئیل علیه‌السلام  
خویشتن بدو نمود بمانند آدمی. «سوياً».

قالت إني أعود بالرحمن منك إن كنت تقياً (۱۸)

كُفْتُ «إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ» مِنْ أَرَحْمَنِ فَرِيَادِ خَوَاهِمِ أَر تُو «إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا»  
اكر تُو مخلصی مر رحمان را از بر من دور شو. ضحاک كُفْتُ اكر تُو از خدای جَلِّ وَ  
عَزِّ مِي بَتَرَسِي أَر بَرِّ مَنْ دُور شو. كَلْبِي كُفْتُ اكر تُو مطيع خدایی از بر من دور شو.

قال إنما أنا رسول ربك لأهب لك غلاماً زكياً (۱۹)

جبریل كُفْتُ عليه السلام «إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكَ» مِنْ رَسُولِ خَدَاوَنْدِ تُوومِ «لَأَهْبُ  
لَكَ غَلَامًا زَكِيًّا» تَا مَر تُو رَا پَسَرِي بَخْشَمِ. چُون «لِيَهْبُ» خَوَانِي مَعْنِي جَنَّانِ بَاشْدِ تَا  
خَدَاوَنْدِ تَعَالَى تَرَا بَسَرِي بَخْشْدِ «زَكِيًّا» پَاكِيْزَه وَ نِيكَ مَرْدِ وَ پِيَاْمَبِرِ.

قالت أُنِّي يَكُونُ لِي غَلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكْ بَغِيًّا (۲۰)

كُفْتُ مَرِيْمِ مَر جَبْرِيْلِ رَا عَلِيْهِ السَّلَامِ «أُنِّي يَكُونُ لِي غَلَامٌ» مَرَا پَسَرِ أَر كَجَا بَاشْدِ  
«وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ» هَيْجِ آدَمِي بَا مِنْ نَبَسُوْدَسْتِ بِحَلَالِ وَ حَرَامِ «وَلَمْ أَكْ بَغِيًّا» وَ مِنْ  
بَلَايَهْ كَارِ نَبُوْدَهَامِ وَ نِيْسْتَمِ.

قال كذلك قال ربك هو علي هين ولنجدله آيه للناس ورحمه منا و كان أمراً

مقضياً (۲۱)

جبریل علیه‌السلام جوابش داد كُفْتُ هَمْ جَنَّاسْتِ كِي تُو كُويِي وَ هَمْ جَنَّاسْتِ كِي  
مَنْ كُفْتُمْ تَرَا «قَالَ رَبُّكَ» خَدَايِ تُو كُفْتُ جَلِّ وَ عَزِّ «هُوَ عَلِيٌّ هَيِّنٌ» فَرْزَنْدِ بِي بَدْرِ  
آفَرِيدَنْ بَرِّ مَنْ آسَانِسْتِ. (تفسیری بر عشر: ۳۶-۳۷)<sup>۱</sup>

اگر بخواهیم اختلافات ناشی از نقل کامل آیه و جابجایی بخشی از متن در نسخهٔ بریتانیا را نادیده بگیریم، از رسم الخط کهن و تلفظ واژگان چشم بیوشیم، و تنها نسخهٔ تویقایی سرای را اساس نهیم و اختلافات نسخهٔ بریتانیا در کنار آن نشان دهیم، آنگاه چنین متنی خواهیم داشت (اختلاف ضبط نسخهٔ بریتانیا را درون کمانک می‌آوریم):<sup>۱</sup>

«جبرئیل علیه السلام خویشان بدو نمود بمانند آدمی؛ جوانی تمام خلقت، جوانی که از جوانیش هیچ نقصان نشده باشد (بود). چون مریم او را بدید پنداشت که آدمیست؛ گفت: من از رحمان فریادخواهم از تو، اگر تو مخلصی مر رحمان را از بر من دور شو. ضحاک گفت: اگر تو از خدای (+ جلّ و عزّ) می‌ترسی از بر من دور شو. کلبی گفت: اگر تو مطیع خدایی از بر من دور شو. جبریل گفت علیه السلام: من رسول خداوند توم تا مر تو را پسری بخشم. چون "لیهب" خوانی معنی چنان باشد تا خداوند تعالی ترا پسری بخشد، پاکیزه و نیک‌مرد و پیغامبر (پیامبر). گفت مریم مر جبریل را علیه السلام: مرا پسر از کجا باشد؟ هیچ آدمی با من نپسودست بحلال و حرام (حرام) و من بلایه‌کار نبوده‌ام و نیستم. جبریل علیه السلام جوابش داد، گفت: همچنانست کی تو می‌گویی (گویی) و همچنانست کی من گفتم (+ ترا)؛ خدای تو گفت جلّ جلاله (جلّ و عزّ) فرزند بی‌پدر آفریدن بر من آسانست.»

چنانکه می‌بینیم، اختلاف میان دو نسخه اندک است. در اینجا باید به این نکته توجه داشت که بر اساس تفاوت تقسیم‌بندی نسخه‌های تویقایی سرای و بریتانیا، ترجمه و تفسیر آیاتی از سورهٔ کهف (آیهٔ ۶۰ تا آیه ۷۵) در نسخهٔ تویقایی سرای هست که در نسخهٔ بریتانیا وجود ندارد (همچنان‌که بخش‌های پایانی متن نسخهٔ بریتانیا - سوره‌های مؤمنون، نور و فرقان - در نسخهٔ تویقایی سرای نیست)؛ از این رو باید گفت که نسخهٔ تویقایی سرای پاره‌های جدیدی - هرچند اندک - از تفسیر /بونصر را که در تفسیری بر عشر منتشر نشده، در اختیار می‌گذارد.

□

از مجلّات دیگر تفسیر /بونصر تا کنون نسخه‌ای و نشانی یافت نشده است؛ اما نگارنده ظنّ قوی می‌برد که تفسیری که تنها ۴۶ برگ از آن به دست آمده (شامل ترجمه و تفسیر آیات ۶۵-۱۵۱ سورهٔ بقره) و به تفسیر قرآن پاک شهرت دارد،<sup>۱</sup>

بخشی از مجلد نخست تفسیر ابونصر باشد. تفسیر قرآن پاک، هم از نظر متن (ساختار، الفاظ، منابع و شیوه بخش‌بندی آیات) و هم از نظر نسخه (شیوه کتابت و برخی اعراب‌گذاری‌های واژگان فارسی)، با دو نسخه تفسیر ابونصر (توقایی سرای و بریتانیا) مشابهت دارد؛<sup>۱۱</sup> به ویژه در نقل گسترده از فردی که از وی با عنوان «خواجه امام» یاد می‌شود، نکته‌ای که پس از این بدان بازخواهیم گشت. ای‌کاش نسخه تفسیر قرآن پاک در بردارنده آیاتی مشترک با تفسیری بر عشر می‌بود تا می‌شد صحت و سقم این گمان را سنجید و از ظن و گمان برکنار ماند.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. برای نمونه‌ای دیگر از قرآن‌های سی‌پاره مترجم، نک: صدرایی خوبی ۱۳۸۳: ۸۴ - ۸۵.
۲. در مقدمه تفسیر معروف به ترجمه تفسیر طبری، در باب تقسیم‌بندی آن چنین آمده است: «و این را بیست مجلد ساختند: از جمله این چهارده مجلد (نسخه بدل: مصحف) فرو نهادند هر یکی نیم‌سبع (نسخه بدل: هر مصحفی نیم‌هفت‌یک) - تا جمله همه تفسیر قرآن باشد از پس وفات پیغامبر علیه السلام تا آن‌گه که محمد بن جریر [طبری] ازین جهان بیرون شد و آن اندر سال سیصد و چهل و پنج بود ... - و شش مجلد دیگر فرو نهادند تا این بیست مجلد تمام شد. و تفسیر قرآن و قصه‌های یاران پیغامبر که بودند از پس او و قصه‌های امیران مؤمنان که بودند تا بدین وقت، یاد کردیم اندر هفت مجلد - هر مجلده یک سبع - تخفیف را» (ترجمه تفسیر طبری: ۱/ ۶ - ۷ و پانوشت ۷ ص ۶). متن این نقل البته خالی از ابهام نیست و بی‌تردید دچار مشکلاتی است (از جمله آنکه تاریخ وفات طبری - م ۳۱۰ ق - در آن به نادرست ۳۴۵ قید شده است؛ چنانکه گویی بخشی از متن افتادگی است. بحث درباره مقدمه ترجمه تفسیر طبری و معضلات آن مجال دیگری است؛ اما به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که در متن منقول به سه نوع تقسیم‌بندی اشاره شده است: ۲۰ جلدی، ۱۴ جلدی (هر جلد نیم‌سبع) و ۷ جلدی (هر جلد یک سبع).
۳. نک: یغمایی ۱۳۳۹: ۱/ ۱۱، که به دوره‌ای از ترجمه تفسیر طبری - که به میرزا حسین خان آزاد تعلق داشته و بعداً به انگلستان منتقل شده - اشاره می‌کند که مطابق با تدوین اصلی کتاب در چهارده مجلد کتابت شده بوده است (نیز نک: پی‌نوشت پیشین). گلچین معانی (۱۳۵۴: ۴۸) نیز در گزارش قرآن‌های کشف‌شده در توسیع آستان قدس رضوی به مصحف‌هایی با تقسیم‌بندی نیم‌سبع اشاره کرده است (نیز نک: پی‌نوشت پیشین).
۴. درباره نسبت سوراآبادی/ سوراآبادی/ سوریانی برای مؤلف این تفسیر و اصالت دو ضبط اخیر، نک: صادقی ۱۳۸۰: ۲۳۹-۲۴۶.

۵. قرآن بست نیز در یک دوره هفت جلدی تدوین شده است. مجلد پنجم (۱۲۵ برگ، محفوظ در کتابخانه ملی پاریس) از این دوره قرآنی که عثمان بن محمد آن را به سال ۵۰۵ در بستان کتابت کرده و علی بن عبدالرحمن آن را تذهیب نموده، در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است (نک: ریشار ۱۳۸۳: ۳۷، نیز: ۳۱). این مجلد، از آیه ۵۵ سوره مؤنون (۲۳) تا آیه ۲۰ سوره سبأ (۳۴) را در بر دارد. تصویر دو صفحه از قرآن بست را در کتاب ریشار (۱۳۸۳: ۲۲-۲۳) ببینید.
۶. در اصل نوشته متینی سهواً «تا اواسط آیه ۲۰ سوره الفرقان» قید شده است، اما چنانکه از متن تفسیری بر عشر: ۴۱۲ پیداست، صحیح همان است که در بالا آورده‌ایم.
۷. متینی (۱۳۵۲: دوازده) نسخه بریتانیا را این گونه توصیف می‌کند: ش Or.6573 در کتابخانه موزه بریتانیا؛ بدون نام مؤلف، تاریخ تألیف، نام کاتب و تاریخ کتابت؛ ۲۴۶ برگ؛  $۲۶/۷ \times ۳۵/۵$  cm؛ شامل آیه ۷۶ سوره کهف (سوره ۱۸) تا اواسط آیه ۲۳ [کذا؛ صحیح: ۲۰] سوره فرقان (جزء‌های ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ از قرآن)؛ ظاهراً جلد ششم از تفسیری در ده مجلد بر اساس تقسیم‌بندی مؤلف؛ ظاهراً دو برگ پس از ورق ۱۵۱ (شامل آیه ۴۵ تا ۵۲ سوره حج) افتاده است؛ آیات قرآنی به خط کوفی زیبا؛ در صفحه اول نسخه فقط هفت سطر نوشته شده و بر بالای صفحه کلماتی به خط تزئینی کتابت شده که محور گردیده است. متینی تصویر (سیاه و سفید) تفسیر سوره طه از این نسخه را در پایان مقدمه خود بر تفسیری بر عشر به چاپ رسانده است. تصویر برگ‌هایی از این نسخه را در پیوست همین مقاله (تصویر ۲-۶) ببینید.
۸. مصحح (متینی) رسم‌الخط نسخه را به شیوه جدید تغییر داده است (مانند: «که» به جای «کی» و «پ» به جای «ب»)، ولی ما برای آنکه مشابهت میان این دو نسخه آشکارتر شود، رسم‌الخط نسخه بریتانیا را به شکل اصلی آن بازگردانیده‌ایم. گفتنی است که نسخه بریتانیا نیز در اصل مشکول بوده اما مصحح اعراب‌گذاری‌های آن را در متن چاپی خود وارد نکرده است.
۹. در این نقل، رسم‌الخط نسخه‌ها را به شیوه جدید تبدیل کرده و متن را نشانه‌گذاری نموده‌ایم.
۱۰. نسخه تفسیر قرآن پاک متعلق به حافظ محمودخان شیرانی بوده که پس از مرگ او با دیگر نسخه‌های وی به کتابخانه دانشگاه پنجاب (لاهور) انتقال یافت، و اینک به شماره ۴۷۹۷ در گنجینه مخطوطات او نگهداری می‌شود. چاپ عکسی (سیاه و سفید) این نسخه به سال ۱۳۴۴ ش با مقدمه‌ای از مجتبی مینوی در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران در تهران منتشر شد و متن آن نیز به کوشش علی رواقی (چاپ اول: تهران، ۱۳۴۸ ش؛ چاپ دوم: تهران، ۱۳۸۳ ش) انتشار یافت. شیرانی تفسیر قرآن پاک را به احتمال تألیف‌شده در قرن چهارم یا پنجم می‌داند و نسخه آن را این گونه توصیف می‌کند: بدون نام مؤلف، تاریخ تألیف، نام کاتب و تاریخ کتابت؛ ۴۶ برگ؛ ۲۶ سطر در هر صفحه؛  $۹ \times ۱۳$  inch [=  $۲۲/۸ \times ۳۳/۲$  cm]؛ شامل آیه ۶۵ سوره بقره (سوره ۲) تا آیه ۱۵۱ همان سوره؛ آیات قرآنی به خط کوفی (حروف با جوهر مشکی، اعراب با جوهر قرمز، تشدید و جزم و همزه با جوهر سبز، علامت آیه با جوهر زرد)؛ اعراب‌گذاری آیات به شیوه کوفی قدیم؛ متن فارسی به خطی بین کوفی و تعلیق؛ اعراب‌گذاری متن فارسی به شیوه جدید (شیرانی ۱۳۸۳: دوازده - بیست و شش). تصویر دو برگ از این نسخه را در پیوست همین مقاله (تصاویر ۷ و ۸) ببینید.



۱۱. متینی (۱۳۵۲: هیجده - بیست و دو) پاره‌ای از مشابهت‌های متنی میان تفسیر قرآن پاک و تفسیری بر عشر را نشان داده است. پیداست که میان نسخه تفسیر قرآن پاک و نسخه‌های تفسیر ابونصر (تویقایی‌سرای، بریتانیا) تفاوت‌هایی نیز از نظر زبانی و رسم‌الخطی وجود دارد، اما این امر نافی اصل مشترک آنها نیست؛ چنانکه میان نسخه‌های تفسیر ابونصر نیز اختلافات زبانی و رسم‌الخطی هست. برای گزارشی از صرف و نحو نسخه تفسیر قرآن پاک و واج‌شناسی آن، نک: صادقی ۱۳۸۰: ۲۵۷-۲۷۵.

